

فهرست

پیش‌گفتار ۱۱

یک مارس ۱۹۷۹
این کاری است که نا بچه‌های تحس می‌کند! ۱۵

دو ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸
کاری ثابت نا درآمدی مشحص ۲۳

سه ۱۹۲۵ - ۱۹۲۰
کارآموری ۶۷

چهار ۱۹۲۷ - ۱۹۲۵
کار حدا ۱۰۷

پنج ۱۹۳۴ - ۱۹۲۸
من فقط نلدم ملودرام سسارم! ۱۴۷

- شش ۱۹۳۶ - ۱۹۳۴
 این فیلم یک بی‌آرویی تمام‌عیار است! ۱۹۵
- هفت ۱۹۳۹ - ۱۹۳۷
 آن دنیای دیگر ۲۲۷
- هشت ۱۹۴۰ - ۱۹۳۹
 بدیهیات ۲۶۹
- نه ۱۹۴۴ - ۱۹۴۱
 رح دادن حادثه‌ای ناگوار ۳۲۱
- ده ۱۹۴۹ - ۱۹۴۵
 رور برن، خودش می‌آید! ۳۸۱
- یازده ۱۹۵۵ - ۱۹۵۰
 یک فیلم همه‌چیر تمام (بحره‌ی عقی) ۴۳۵
- دوازده ۱۹۵۹ - ۱۹۵۵
 رن اثیری ۴۹۹
- سیزده ۱۹۶۴ - ۱۹۶۰
 حیاط و کوره (ماجرای هدرن) ۶۱۳
- چهارده ۱۹۷۲ - ۱۹۶۴
 نویسنده تبدیل می‌شود به قسمتی از فیلم‌ساز (اشک هیچکاک) ۶۷۵
- پانزده ۱۹۷۹ - ۱۹۷۳
 اصلاً سرگرم‌کننده نیست! ۷۴۱
- شانزده ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹
 کاری که نا بچه‌ی تحس کردند! ۷۸۱
- نمایه‌ی فیلم‌ها ۷۹۳

حبرنگاران و عکاسان، سیمادوستان و کشته‌مردگان سیما، امصابگیران و میهمانان، همه و همه در تالار هتل بورلی هیلتون جمع شده بودند و در ساعت پنج‌وسه دقیقه‌ی بعد از ظهر ۷ مارس ۱۹۷۹، روال عادی کار پذیرش کسندگان و متصدیان هتل در دستشان حارح شده بود. هتل هیلتون واقع در تقاطع بلوار ویل شایر و سانتامویکا در بورلی هیلز کالیفرنیا دیگر مملو از مدعوین شده بود و جای سوزن انداختن نبود. حال دیگر ندانسته پیدا بود که قرار است اتفاق مهمی رخ دهد اتفاقی که در تاریخ و برای آیندگان ثبت خواهد شد.

ار در ورودی تا تالار هتل، پایه‌هایی سه متری که روی آن‌ها نورافکن‌هایی عول‌پیکر نا توان بالا نصب شده بود مشاهده می‌شد. کابل‌های صحیم سیاه‌رنگ، ژنراتورها را سه دوربین‌ها و نورافکن‌ها و تجهیزات جانبی متصل کرده بودند. دستگاه‌ها روی پایه‌های شان سوار و آرمایش می‌شدند. مدیران فی بر صحنه‌آرایی و کارهای فی بطارت داشتند. مردان و زنان جوان نا دوربین‌های مدارسته ورود و خروج افراد را تحت نظر داشتند و پذیرایی کسندگان مراسم آحرین ریره‌کاری‌های مربوط به چیدمان صددلی‌های صیافت شام را به انجام می‌رساندند.

پارده هراتر در مراسم آن شب حضور داشتند و به برکت اختراع تلویزیون میلیون ها نفر دیگر هم می توانستند مراسم را در طول هفته تماشا کنند در تالار هتل صدوپنجاه میر برای شام معصل آن شب تدارک دیده شده بود هم چیس، روی سس و در حایگاه سحرانی تصاویر بی بطیری از ستاره های سیما در حالات مختلف بصب شده بود

اولین لیمورین رأس ساعت شش حلوی سرسرای هتل توقف کرد تماشاگران کحکاو که از سوی مأموران انتظامات آبی پوش مهار شده بودند، تقلا می کردند تا چشمشان را به حمال میهمانی که شام هر کدامشان سیصد دلار آب حورده بود روشن کند! بوحوان ترها ماند دربانان صیافت های سلطنتی وسط شلوعی ایستاده بودند و اسامی میهمانان را حار می ردید حیمر استوارت، ایگرید برگم، کری گرات، چارلتون هستون، حیس وایم، اولیویا دو هاویلند، نازارا استرایسند، مایکل کین، مل بروکس، والتر ماتیو، دایانا روس، کریستوفر ریو و این اسامی مربوط به شهروندان متشخص هالیوود و حدیدترین چهره های تلویزیونی بود

در آن شب گرم و شرحی قرار بود سیاد فیلم امریکا هفتمین حایره ی «دستاورد یک عمر فعالیت هری» را اهدا کند مردم لحظه شماری می کردند که فرد حوش اقبال برنده ی حایره از راه برسد اما این فرد حوش اقبال آدمی بود که نه این راحتی ها دم نه تله بدهد و کسی را متطر خودش نگه ندارد! او حیلی رودتر از این ها آمده بود و حالا در اتاقی واقع در طبقه ی هفتم هتل ششسته بود!

گرداسندگان مراسم دل نگران بودند که نکند نامردشان در مراسم حاصر بشود؛ چون با وحود این که از پاییر گذشسته اعلام کرده بودند که گریبه ی مورد نظر آن ها «آلفرد هیچکاک» است، اما او ماه ها بود که از شرکت در برنامه های حبری و مصاحبه ها امتناع کرده بود و نه هر تقاصایی در رمیبه برگراری مراسم ماند تهیه ی نماهنگ یا ارسال دعوت نامه برای همکاران حواب رد داده بود او از بیان این که در طول برنامه چه رفتاری ممکن است از خودش برور دهد، پرهیز کرده بود و برحلاف چهل سال گذشته که فقط هفته ای یک بار برای معایبه ی سلامتی اش رفته بود، طی ژانویه و فوریه ی گذشته هفته ای هفت بار این کار را کرده بود حالا پنج سالی می شد که دستگاه، صربان قلش را تنظیم می کرد و نا این وصعیت و نا وحود اشتهای

سیری ناپدیدش به پوشیدنی‌های الکلی، طبیعی بود که نه دنبال حاموشی و آرامش باشد و از هر اتفاق نگران‌کننده و هیجان‌برانگیزی گریزان

دیوید فری‌من که زمانی برای او می‌نوشت، چنین نقل می‌کند «آن شب هیچکاک طوری به برنامه‌ها نگاه می‌کرد که گویا مراسم حتمش در حال برگزار شدن است! او به هیچ‌وجه دوست نداشت که خبر مرگش را بشنود و در مراسم کفن و دفن و تشییع حاره‌ی خودش حاضر باشد.» با وجود این که از تقدیرشدگان سال‌های قبل فقط یک نفر بود که دیگر در این دنیا نبود، ولی همین برای هیچکاک بس بود که کار خودش را تمام‌شده بداند! حایره‌ی «دستاورد یک عمر فعالیت هنری» برای او حکم ناقوس مرگ را داشت، واقعیتی که هیچکاک در تمامی فیلم‌هایش قصد داشت که از آن اجتناب کند او نمی‌خواست که اشاره‌ای به رسیدن آفتاب عمرش به لب نام شود! حتی به گونه‌ای تلویحی و حتی در طول مراسم برگزارشدنش! فری‌من اضافه می‌کند «او با داشتن ۷۹ سال سن و ۵۰ کیلو اضافه‌وزن دیگر به ته خط رسیده بود و این را خودش می‌دانست اما نمی‌خواست که دیگران هم آن را بدانند» دست آخر، چند روری قبل از اجرای مراسم، تن به مصاحبه داد و با بی‌میلی تمام، با نمایندگان رسانه‌ها صحبت کرد و به پرسش‌های برگزارکنندگان جواب داد

صبح هفتم مارس، آلمان ره‌ویل - همسر و پناه‌دهنده سال دستیار هیچکاک - در لس‌آنجلس تایمر خواند که بعید است در مراسم حاضر شود وی بعد از چندین سکنه فلج و رمین‌گیر شده بود و حته‌ی ضعیف و نحیفش در کنار هیچکاک، در برابر دور کمر بیش از حد بزرگ شوهرش، خیلی کوچک‌تر از آن‌چه بود دیده می‌شد بیماری حرد و حمیرش کرده بود و رمقی در بدنش باقی نمانده بود اما مانند تمامی این سال‌ها با استمداد از کله‌شقی و لحاحت محصر به‌فردش توانست بر ضعفش غلبه کند و فوراً عزم رفتن کرد به کمک پرستارش حمام کرد، لباس پوشید و تا ماشین برسد، حساسی به خودش رسید فاصله‌ی مرل تا هتل فقط پنج دقیقه راه بود

شوهرش چند ساعتی رودتر رسیده بود همه‌ی کسانی که به نوعی با این مراسم درگیر بودند، صلاح می‌دانستند که او بطق هنگام دریافت حایره‌اش را قبل از مراسم ادا کند تا امکان صبط، ویرایش، تقیح و اصلاح بطراتش فراهم شود، و از طرفی، خطر حسنگی و اربافتادگی‌اش متعی شود گذشته از این، اگر قرار بود که هیچکاک